



Ayatollah Mesbah-Yazdi's Critique on the Foundations of Quran-Based Humanities *

Mustafa Karimi¹

Abstract



Humanities compass a set of sciences aimed at understanding human beings and describing, explaining, and interpreting individual and social phenomena to guide human actions and interactions. These sciences play a significant role in the destiny of individuals and societies. However, the current version of humanities, based on non-divine foundations, has been inadequate in leading humans towards happiness, especially in underperforming Islamic societies. Therefore, there is a necessity for the production of Islamic humanities, especially Quran-based humanities. One of the significant issues worth investigating in this regard is the credibility of these sciences. Examining the viewpoints of prominent figures in this field contributes to the advancement of this area of study and the resolution of its issues. Ayatollah Mesbah-Yazdi (May His Soul Rest In Peace) has devoted four decades to elucidating the foundations of Islamic humanities and presenting a scientific model for their production. Hence, we analyze this matter from his perspective using a descriptive-analytical method to facilitate the pathway for the production of Islamic humanities. The research findings indicate that, in his viewpoint, the Holy Quran possesses the necessary potential for the production of credible humanities. This is because the Quran, as a divine revelation and a valid source of knowledge, is comprehensive, realistic, internally consistent, universal, and eternal. Therefore, the science derived from the Quran in the realm of humanities is considered valid. Consequently, with the proper method of Quranic theorization, a solid foundation of humanities based on the Quran can be established to complement human societies.

Keywords: Quran-Based Humanites, Inclusivity of Humanities, Epistemological Credibility of Quran, Structural Nature of the Quranic Language, Realism of Quranic Statements, Ayatollah Mesbah-Yazdi.

*. **Date of Receiving:** 23/01/2023, **Date of Approving:** 06/08/2023.

1. Assistant Professor, Faculty Member of the Quran Interpretation and Quranic Sciences Department, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom: karimi@qabas.net.



اعتبارسنجی علوم انسانی قرآن بنیان از دیدگاه علامه مصباح یزدی *

مصطفی کریمی^۱



چکیده

علوم انسانی مجموعه دانش‌هایی است که به شناخت انسان و توصیف، تبیین و تفسیر پدیده‌های فردی و اجتماعی، جهت‌بخشی به افعال و انفعالات انسانی می‌پردازند. این علوم نقش شایان توجهی در سرنوشت فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. چون نسخه موجود از آن بر اساس مبانی غیرالهی شکل گرفته است، در رساندن انسان به سعادت، به‌ویژه در جوامع اسلامی کم‌توفیق بوده است، ازاین‌رو تولید علوم انسانی اسلامی به‌ویژه علوم انسانی قرآن‌بنیان، ضرورت می‌یابد. از شمار مسائل شایان تحقیق در این باب، اعتبار آن است. بررسی دیدگاه شخصیت‌های برجسته و مؤثر در این باب به پیشرفت این حوزه مطالعاتی و حل مسائل آن کمک می‌کند. علامه مصباح‌یزدی رحمته‌الله در طول چهار دهه به تبیین مبانی علوم انسانی اسلامی و ارائه الگوی علمی برای تولید این علوم پرداخته است؛ ازاین‌رو ما این مسئله را از دیدگاه ایشان، به هدف هموارکردن راه تولید علوم انسانی اسلامی، به روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌کنیم. حاصل تحقیق آن است که در دیدگاه ایشان قرآن کریم از ظرفیت لازم برای تولید علوم انسانی معتبر برخوردار است؛ زیرا وحی و منبع معرفتی معتبر، شناختار، واقع‌نما، هماهنگ در درون، جهانی و جاودانه است و معرفت‌های استنباط‌شده از قرآن در باب علوم انسانی معتبر است. در نتیجه با روش درست نظریه‌پردازی قرآنی می‌توان در راستای استكمال جوامع انسانی، بنای مستحکمی از علوم انسانی بر اساس قرآن پایه‌گذاری کرد.

کلیدواژگان: علوم انسانی قرآن‌بنیان، شمول بر علوم انسانی، اعتبار معرفت‌شناختی قرآن، شناختاری بودن زبان قرآن، واقع‌نمایی گزاره‌های قرآنی، علامه مصباح‌یزدی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵.

۱. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران: karimi@qabas.net.



مقدمه

بیان مسئله

علوم انسانی در زندگی فردی و اجتماعی انسان نقش مهمی دارد (مصباح یزدی، درباره پژوهش، ۱۳۸۹: ۸۲-۸۴)؛ ولی سوگمنده، نسخه رایج آن که در غرب مسیحی تکون یافته و از بینش‌ها و جهان‌بینی‌ها حاکم بر آن، به‌ویژه درباره انسان، تأثیرپذیرفته است (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، ۱۳۷۳: ۲/ ۵۲۷)، نتوانسته این نقش را به‌خوبی ایفا کند و مسیر سعادت را برای انسان‌ها هموار سازد. این ناتوانی در جوامع اسلامی بیشتر نمایان است؛ زیرا بر اساس یک مبانی، از جمله مبنای مادی‌انگاری انسان و منابعی معرفتی تجربی شکل گرفته است که با مبانی و منابع اسلامی تفاوت چشمگیری دارد (مصباح یزدی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۶)؛ از این‌رو با ورود علوم انسانی به کشورهای اسلامی، مسئله «اسلامی‌سازی دانش» (Islamization of knowledge) توسط برخی از اندیشمندان مسلمان در پاره‌ای از کشورهای اسلامی از جمله کشور ما مطرح شد. بعد از فروکش کردن چند ساله تب‌وتاب این بحث، الحمدلله با طرح دوباره اهمیت تولید علوم انسانی بر اساس منابع دینی، از سوی مقام معظم رهبری (دام‌ظله)، اهتمام مجامع علمی و اندیشمندان کشورمان به این امر بیشتر شده است.

قرآن کریم، این آخرین مرحله وحی الهی، فرود آمده است تا ابد راهنمای انسان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی باشد: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره/ ۱۸۵). توجه به این وحی الهی و اساس قراردادن آن در تولید علوم انسانی ضروری است؛ چراکه علوم انسانی مربوط به انسان بوده، ابعاد وجودی و رفتار فردی و اجتماعی وی را بررسی می‌کند، و خدایی که به تمام ویژگی‌های ظاهری و باطنی انسان آگاه است، بهتر از هرکسی می‌داند چگونه استعدادها و نهفته‌های وی را به فعلیت می‌رساند. در جوامع اسلامی حتی بومی‌سازی و کاربردی کردن علوم انسانی بدون توجه به قرآن و آموزه‌های آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا قرآن اساس اسلام و فرهنگ جامعه اسلامی بیش از هرچیز مرهون نگرش ویژه قرآن نسبت به انسان است. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کمال دین اسلام را بر جامعیت و کمال قرآن کریم مبتنی فرموده‌اند (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: خطبه ۱۸). از این‌رو ضرورت تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان مطرح می‌شود. مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در این باره می‌فرمایند: یکی از مسائل مهم و اصلی در قرآن‌پژوهی، استخراج پایه علوم انسانی از قرآن کریم است و اگر این کار انجام شود، پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از برخی پیشرفت‌های علوم انسانی، می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کنند (خامنه‌ای، بیانات معظم

له در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸). افزون بر این با تولید علوم انسانی بر اساس منابع اسلامی، برتری نظر اسلام بر دیدگاه‌های دیگر نشان داده شود (ر. ک: اخوان مقدم و اسحاقی، مطالعه تطبیقی دیدگاه علامه طباطبائی و علامه جوادی آملی در جایگاه و کارکرد و شیوه نقد روایات در تفسیر قرآن، ۱۴۰۲، ۸۸-۹۲).

از شمار مسائل ضروری و نیازمند پژوهش در باب علوم انسانی قرآن بنیان، اعتبار آن است. بررسی دیدگاه شخصیت‌های برجسته و مؤثر در این باب به پیشرفت این حوزه مطالعاتی کمک می‌کند. ما این مسئله را از دیدگاه علامه مصباح رحمته الله بررسی می‌کنیم؛ چراکه ایشان در احساس نیاز جدی به تولید علوم انسانی بر اساس منابع وحیانی و اقدام علمی و عملی پیش‌تاز بوده‌اند. تلاش علمی و استخراج دیدگاه قرآن در برخی مبانی و مسائل علوم انسانی توسط علامه مصباح در مجموعه‌ای با نام معارف قرآن نشر یافته است. تأسیس دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه فعلی) و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله با هدف تولید علوم انسانی اسلامی، نمونه‌ای از تلاش عملی ایشان است.

پیشینه

نگاشته‌ای که مسئله را به طور مستقل بررسی کند، یافت نشد، تنها برخی آثار به شکل ضمنی این مسئله یا مقدمات آن را آورده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. عسکری سلیمانی امیری و آسیه گنج‌خانی، «بررسی چستی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی، فصلنامه علمی پژوهشی آیین حکمت، پاییز ۱۳۶۹، شماره ۹۹، ص ۵۷-۷۸. این نوشته علوم انسانی برگرفته از منابع دینی را تعریف می‌کند؛ ۲. محمد مهدی نادری، «امکان علوم انسانی از دیدگاه علامه محمدتقی مصباح و عطاس (مطالعه تطبیقی)»، پژوهش‌های دین و علم، شماره ۲۴، بهمن ۱۴۰۰. قسمتی از این مقاله امکان علوم انسانی اسلامی از دیدگاه علامه مصباح بررسی می‌کند که در مسئله امکان علوم انسانی قرآن بنیان قابل استفاده است؛ ۳. جواد محقق، «رابطه قرآن و علوم انسانی از دیدگاه علامه آیت‌الله مصباح‌یزدی، پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، شماره ۸، ص ۱-۱۹. در این اثر مطالبی مختصر در باب امکان علوم انسانی قرآن بنیان یافت می‌شود. ۴. علی نصیری، «مبانی ابتدای علوم انسانی بر متون دینی»، ارائه شده در پنجمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۸. بخشی از این نوشته امکان و اعتبار علوم انسانی مبتنی بر متون دینی به شکل عام را آورده است و در صفحات مقدماتی آن از آثار علامه مصباح استفاده کرده است. بنابر پژوهش ضرورت دارد.



مفاهیم

۱. قرآن کریم، چنان که در ادامه خواهد آمد، افزون بر ظاهر، باطن هم دارد. برخی از مراتب آن برای غیرمعصوم با تأمل و دقت قابل فهم است و بعضی دیگر از دلالت عرفی فراتر بوده، تنها معصوم توان فهم آن را دارد. چون سخن معصوم حجت است، باید در تولید نظریه قرآنی از آن استفاده کرد (مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۲/ ۱۳۲ و ۱۳۳). بنابراین افزون بر ظاهر، باطن قرآن نیز مراد ماست.

۲. علوم انسانی (humanities)، ترکیبی از دو واژه «علوم» بوده و «انسانی» علوم جمع علم است. مفهوم لغوی «علم» در زبان فارسی روشن و بی نیاز از توضیح است و در اصلاح دو کاربرد متفاوت دارد: اول، اعتقاد یقینی مطابق با واقع (مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ۱۳۹۸: ۱/ ۶۷)؛ دوم، به عنوان یک دانش که مقصود در این مقاله است. در تعریف اصطلاحی، علم در نقش ملاک تقسیم بندی علوم بسیار نقش آفرین است و گاه اساس تعریف قرار می گیرد. از این رو علوم، از جمله علوم انسانی بر اساس «موضوع»، «روش» و «هدف» گوناگون تعریف می شود (همان). علوم به لحاظ موضوع سه دسته اند: ۱. علوم فیزیکی که موضوع آن ماده بی جان است؛ ۲. علوم زیستی که از ماده جان دار غیرانسان سخن می گوید؛ ۳. علوم انسانی که موضوع آن انسان است. علامه مصباح انسان را موضوع علم انسانی می داند (مصباح یزدی، رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی، ۱۳۷۸: ۷۷). بنابراین علوم انسانی مجموعه دانش هایی است که به شناخت انسان و توصیف، تبیین و تفسیر پدیده های فردی و اجتماعی (از آن جهت که انسانی اند، نه از جهت فیزیکی و زیستی)، جهت بخشی به افعال و انفعالات انسانی می پردازند. مقصود از علوم انسانی قرآن بنیان آن است که مبانی یا مسایل و نظریه های آن به روش معتبر از قرآن کریم استنباط شود. توضیح اینکه موضوعات برخی از علوم، با دو یا چند روش قابل بررسی اند، هم می توان با روش عقلی و تجربی پرسش های مربوط به آنها پاسخ داد و هم می توان پاسخ آنها را با روش نقلی از منابع وحیانی استنباط کرد. اگر پاسخ آنها از طریق مراجعه به قرآن با درجه ای از اطمینان علمی اثبات شود، علم قرآن بنیان خواهد بود (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۴). این اطمینان گاه ممکن است در مواردی به شکل علم یقینی نباشد، که دست کم باید اطمینان قابل دفاع عقلایی به دست آید (همان: ۱۸۵-۱۸۹). بنابراین اتصاف علوم انسانی به قرآنی بودن حقیقی است. مراد از امکان اعتبار و اعتبار علوم انسانی قرآن بنیان این است که اولاً قرآن کریم این ظرفیت را دارد که علوم انسانی بر اساس آن شکل گیرد، ثانیاً، معرفت حاصل از گزاره های قرآنی از نظر روش و زبان معتبر است (همان: ۲۴۰).

در باب مسئله پژوهش دو دیدگاه کلی وجود دارد. کسانی منکر امکان یا اعتبار علوم انسانی قرآن‌بنیان یا هر دو هستند و علامه مصباح^۱ از شمار اندیشمندان اسلامی است که بر امکان و اعتبار علوم انسانی قرآن‌بنیان باور دارند. در ادامه اثبات می‌شود که از نگاه ایشان اولاً قرآن کریم از مبانی یا مسائل علوم انسانی سخن گفته است؛ ثانیاً سخن قرآن کریم در این باره از جهت روش معرفتی و زبان معتبر است.

۱. اشمال قرآن نسبت به علوم انسانی

قرآن کریم مشتمل را علوم انسانی است؛ البته برخلاف آنچه برخی گمان می‌کنند (توفیق، «التفسیر الموضوعی، مقارنات بین السید الصدر و آخرین»، ۱۴۲۱ق: ۴۴). برای این امر شمول قرآن نسبت به تمام مسائل علوم انسانی ضرورت ندارد. چنان‌که این علوم از ابتدا که نام گرفتند، تمام مسائل را در خود نداشتند و به مرور مسائلی بر آنها افزوده شده و همچنان افزوده می‌شود.

قرآن با تمام شئون آدمی کار دارد و در ساحت‌های گوناگون حیات فردی و اجتماعی، عقلانی و عاطفی و مادی و معنوی انسان سخن گفته است (مصباح‌یزدی، «میزگرد زبان دین»، ۱۳۷۵: ۱۶) در نگاه آیت‌الله مصباح‌یزدی می‌توان از قواعد و کلیاتی که در قرآن آمده است، نظام‌هایی را در زمینه مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیر آن استنباط کرد و نیز در موارد خاصی که موضوعات اجتماعی معینی مطرح شده، از آن بهره گرفت و یکی از علوم را از منظر قرآنی سامان داد یا تهذیب و تکمیل کرد (مصباح‌یزدی و گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۰: ۳۰۶).

ادله و شواهد نیز بر گستردگی قلمرو موضوعی قرآن و شمول آن نسبت به مسائل گوناگون علوم انسانی دلالت دارد. از جمله می‌توان از ادله عقلی نیازمندی انسان به وحی و قرآن، آیات مربوط به قلمرو موضوعی قرآن، روایات مربوط به قلمرو قرآن، آیات و روایات بیانگر اهداف قرآن یاد کرد.

اول. دلیل عقلی (برهان کمال)

از آثار آیت‌الله مصباح‌یزدی استفاده می‌شود، کامل‌ترین برهان عقلی بر قلمرو قرآن کریم برهان کمال است که از خود قرآن نیز استفاده می‌شود. در این برهان چند امر به‌عنوان مقدمه مطرح است:

۱. استکمال اختیاری به‌عنوان هدف آفرینش انسان؛
۲. ضرورت شناخت کمال انسانی و راه رسیدن به آن؛
۳. ناتوانی ابزار عمومی معرفت انسان از این شناخت.



با عنایت به این مقدمات، به مقتضای حکمت الهی باید راه شناخت دیگری غیر از عقل و حس برای انسان باشد، تا به کمال مطلوب برسد و آن «وحی و قرآن» است و قرآن آخرین کتاب الهی، مصون از تحریف است و قرار نیست کتاب دیگری بعد از آن بیاید. طبق این برهان مشخص می‌شود، امور مربوط به تکامل انسان جزو قلمرو موضوعی قرآن کریم است (ر.ک: مصباح یزدی، معارف قرآن، راه و راهنماشناسی، ۱۳۹۵: ۴-۵/۱۰۳-۱۰۴).

باتوجه به اینکه یکی از اهداف علوم انسانی، زمینه‌سازی نیل انسان به کمال و سعادت است، قرآن کریم می‌تواند در این حیطة منبع معتبری برای تولید علوم انسانی باشد.

دوم. دلیل نقلی

الف. آیات

برای جامعیت قرآن کریم به ۹ دسته آیات تمسک می‌شود (کریمی، جامعیت قرآن کریم؛ پژوهشی در قلمرو قرآن، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۲۴۳) که مهمترین آن «آیه تبیان» است: «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/ ۸۹)؛ «و به یاد آور روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیختیم و تو را هم بر اینان گواه آوردیم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.»

دلالت این آیه شریفه بر گستردگی قلمرو موضوعی قرآن کریم، از آیات دیگر روشن‌تر است، ازاین‌رو، بیشتر توجه اندیشمندان مسلمان را به خود جلب کرده است. نکات ذیل درباره این آیه شریفه درخور توجه است:

۱. از فعل «نَزَّلْنَا» استفاده می‌شود که مراد از «الکتاب» قرآن نازل‌شده و موجود در دست مسلمانان است.

۲. واژه «تِبْيَانًا» مصدر باشد یا اسم، حالت مبالغه دارد و به معنای بیان بلیغ است (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع مثانی، ۱۴۱۴ق: ۳۱۶/۲؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، ۱۴۰۷: ۳۱۶/۸)؛ بنابراین قرآن کریم خود به‌طور مستقیم و به تفصیل بیانگر است.

۳. «مقصود از بیان و تبیان بودن قرآن، اعم از بیان ظاهری و باطنی است» (ر.ک: مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۶: ۳۰۴)؛

۴. «كُلَّ» و «شَيْءٍ» عموم و اطلاق دارد.

آیت الله مصباح یزدی در یک جا از آثار خود، اطلاق این آیه را به امور هدایتی مقید کرده و معتقد است، جامعیت قرآن، در بیان امور مربوط به هدایت و سعادت انسان است (ر.ک: مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۳۰۲). ممکن است گمان شود، در نگاه ایشان، قرآن ظرفیت تولید علوم انسانی را ندارد؛ لکن این برداشت درست نیست و چند نکته در این باره درخور توجه است:

نخست اینکه، چنان که خواهد آمد، قرآن افزون بر ظاهر، دارای باطن است و علامه مصباح در اینجا یا جای دیگر تصریح نکرده است که باطن قرآن نمی تواند مطلبی خارج از امور هدایتی باشد؛ بلکه برعکس در یکی دیگر از آثار خود معتقد است، آنچه از طریق وحی در اختیار مردم قرار می گیرد، محدود است؛ ولی آنچه پیامبران از طریق وحی دریافت می کنند، گسترده است و برخی آیات و روایات، دلالت می کنند که کسانی دیگر غیر از پیامبر ﷺ حتی مانند جناب سلمان علیه الرحمة هستند که به تمام آنچه هست و خواهد بود، آگاه اند (ر.ک: مصباح یزدی، معارف قرآن، ۱۳۹۳: ۱-۳/۴۰۶)، بنابراین قرآن ظرفیت تولید علوم انسانی را دارد.

ب. روایات

حدود هجده روایت در این باب در تفسیر نور الثقلین ذیل آیه ۸۹ سوره نحل آمده است و ده روایت در اصول کافی آمده است که می توان آنها را به چهار دسته تقسیم کرد: دسته نخست، قرآن را مشتمل بر همه چیز می داند؛ دسته دوم، قرآن را مشتمل بر همه چیز می خواند و عقل بشر را عاجز از رسیدن به آن؛ دسته سوم، قرآن را مشتمل بر همه چیز می داند و اینکه اهل بیت ﷺ به آن آگاهی دارند؛ دسته چهارم، قرآن و سنت را مشتمل بر همه چیز معرفی می کند. تعداد دسته سوم بیشتر بوده و بین آنها صحیح السند و موثق نیز بیشتر است (کریمی، جامعیت قرآن کریم؛ پژوهشی در قلمرو قرآن، ۱۳۹۰: ۲۳۳-۲۴۱)؛ مانند روایتی از امام صادق ﷺ که حضرت در آن خود را آگاه معرفی می کند و اعلام می فرماید که این همه را از قرآن استفاده کرده ام: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ، وَأَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ، وَأَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ، وَأَعْلَمُ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ ثُمَّ مَكَتْ هُنَيْيَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كِبَرٌ عَلَى مَنْ سَمِعَهُ مِنْهُ، فَقَالَ: عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ. عَزَّوَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- يَقُولُ: فِيهِ تِبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۸۵/۹۲؛ مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۲، ۲۸۹)؛ سعادت مطرح در قرآن کریم، شامل مسائل مربوط به زندگی فردی و اجتماعی و دنیوی انسان هم می شود که موضوع علوم انسانی است (ر.ک: مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۳۰۰).



سوم. ویژگی‌های قرآن کریم

برخی از ویژگی قرآن کریم گواه بر اشتمال قرآن کریم بر مسائل علوم انسانی است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف. برخورداری از باطن

یکی از ویژگی‌های قرآن کریم این است که افزون بر ظاهر، باطن دارد. بطن و باطن در مقابل ظاهر و ظاهر، در لغت به معنای نهان و پنهان و در اصطلاح علوم قرآنی، به آن دسته از معانی می‌گویند که ظاهر الفاظ آیات، دلالتی بر آن ندارد. روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام، به این ویژگی قرآن دلالت می‌کنند. تعداد این روایات به قدری است (صفارقمی، بصائر الدرجات، ۱۴۱۴: ۲۱۲-۲۱۶) که تواتر معنوی دارد. به عنوان نمونه حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ لَيْسَ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَلَهَا ظَهْرٌ وَبَطْنٌ» (بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۲۷۰).

آیت‌الله مصباح‌یزدی همانند استاد خود، علامه طباطبایی بر این باور است که دلالت الفاظ قرآن بر باطن به شکل مطابقی بوده و رابطه بین آنها به صورت طولی است (طباطبایی، قرآن در اسلام، ۱۳۵۳: ۳۵-۳۶، مصباح‌یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۶: ۲۶۳). برای اثبات اینکه بطن قرآن از سنخ معانی طولی است، به روایات نیز تمسک شده است. مانند اینکه طبق نقل امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۹۱/۹۲، ۹۴). طولی بودن معانی بطنی، شاهد بر این است که معانی باطنی مدلول مطابقی آیه‌اند، نه لوازم متعدد ملزوم واحد (مدلول آیات). به همین دلیل استعمال لفظ در بیش از یک معنا لازم نمی‌آید (مصباح‌یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

گرچه نیل به همه مراتب آن ویژه معصوم علیه السلام است؛ ولی انسان‌های عادی نیز با شرایط می‌توانند به مرتبه پایین باطن قرآن کریم دست یابند. مهم‌تر اینکه محقق قرآنی از دو دسته روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اهل بیت علیهم السلام می‌تواند در امر باطن قرآن استفاده کند: یکی روایاتی که معنا یا مصداق باطنی قرآن را بیان کرده است و دیگر در معنای باطنی آیات. آیت‌الله مصباح می‌فرماید: روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از جمله قرائن فهم قرآن کریم است و نقش مؤثری در تفسیر آیات دارد. فهم مفاد ظاهری و باطنی آیات... مهم‌ترین نکاتی است که از روایات تفسیری به دست می‌آید. باتوجه به حجیت سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن، هر آنچه در شرح و تفسیر آیات از معصومان رسیده باشد، برای ما سودمند است و در صورت قطعی بودن صدور آن از معصوم، به عنوان قرینه ناپیوسته در فهم آیات، قابل استفاده خواهد بود. (همان: ۱۲-۱۳).

این ویژگی قرآن کریم زمینه تلاش پژوهشگران برای جمع‌آوری آیات بیشتر و بهره‌مندی وافر از آن در تولید علوم انسانی را فراهم می‌کند؛ زیرا می‌تواند افزون بر به‌دست‌آوردن معارف ظاهری قرآن کریم، از راه‌های ممکن، مانند استفاده از روایات موجود از پیامبر اکرم علیه السلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام، به معارف باطنی قرآن کریم در باب مسائل علوم انسانی نیز دست یابد.

ب. برخورداری از استقلال معنایی فرازهای قرآن

از شمار اموری که زمینه بهره‌مندی محقق علوم انسانی از آیات بیشتر در تولید علوم انسانی را فراهم می‌سازد، این است که برخی فرازهای قرآن جدا از معنای حاصل از پیوندهای متنی و فرامتنی، معنایی دارند. مراد از پیوندهای متنی، پیوندهایی است که بخش‌های قرآنی با دیگر جمله‌های بخش‌های پیرامون داشته و می‌تواند معنای آن را به‌سوی خاص معطوف دارد؛ مانند سیاق کلی آیات و یا پیوند عام با خاص و مطلق با مقید. مراد از پیوندهای فرامتنی، فضای معنایی حاکم بر نزول آیات و وابسته‌های بیرونی بخش‌های آیات است که شامل اسباب نزول، مکان نزول، ویژگی‌های متکلم و مخاطبان می‌شود (اسعدی، سایه‌ها و لایه‌های معنایی؛ درآمدی بر «دیدگاه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی در پرتو روایات تفسیری»، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۵).

دلیل بر استقلال معنای فرازها این است که قرآن در وصف خود می‌فرماید: «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًى...» (زمر/۲۳)؛ در نظر آیت‌الله مصباح از وصف شدن قرآن کریم به «مثنائی» در آیه شریفه استفاده می‌شود که قرآن کلامی است که برحسب اسلوب خاصش، در عین پیوستگی، مقطع‌های مشخصی دارد که خودبه‌خود از یکدیگر جدا می‌شوند، مانند کاغذی که تاخورد و دارای لایه‌های متعددی باشد (مصباح‌یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۹: ۵۱/۱-۵۲).

برای نمونه در آیه شریفه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...» فراز «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» باتوجه به سیاق، به آسان‌گیری خداوند در مسئله روزه، و تأخیر انداختن آن از ایام سفر و مریضی اشاره دارد؛ ولی این فراز مستقل از سیاق در نظر گرفته شده و از آن یک قاعده عمومی به نام «المشفقة موجبة لليسر» به دست آمده است؛ قاعده‌ای که مربوط به هریک از احکام اسلامی است و طبق آن، اگر حکم فقهی و دستورات در علوم انسانی هنجاری مستخرج از دین موجب مشقت شود، به‌طور موقت برداشته می‌شود (ر.ک: عاملی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، بی تا: ۱/ ۱۲۳).



نتیجه اینکه فرازهای قرآنی معنای مستقلی دارند. این امر امکان زمینه بهره‌مندی محقق علوم انسانی از آیات بیشتر در تولید علوم انسانی را فراهم می‌سازد. طبق این ویژگی قرآن کریم می‌توان افزون بر آیات مربوط به علوم انسانی با معنای پیوندی، از فرازهای دارای معنای مستقل نیز بهره‌مند شد.

ج. وجود رابطه منطقی بین هست‌ها و باید‌های قرآن

وجود رابطه بین گزاره‌های توصیفی و هنجاری قرآن کریم، گستره استفاده از قرآن در تولید علوم انسانی را بیشتر می‌کند. توضیح اینکه قرآن کریم مشتمل بر جملات اخباری و جملات انشایی است. جمله‌های اخباری از هست و نیست و جملات انشایی از باید و نباید سخن می‌گویند (ر.ک: تهانوی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بی‌تا: ۱/ ۲۴۶). بین این دو دسته جملات رابطه منطقی هست و در نتیجه امکان استنتاج «باید» و «نباید» از «هست» و «نیست» و برعکس، وجود دارد. وجود چنین رابطه‌ای در مرحله مطالعه اکتشافی آیات تأثیر می‌گذارد و زمینه دستیابی به آیات بیشتری در تولید علوم انسانی قرآن بنیان را فراهم می‌سازد؛ زیرا می‌توان در تولید علوم انسانی دستوری از گزاره‌های توصیفی قرآن و برعکس در تولید علوم انسانی توصیفی از گزاره‌های دستوری قرآن کریم استفاده کرد. این امر در مواردی زمینه توسعه یا غنای تولید علوم انسانی قرآن بنیان را فراهم می‌آورد.

آیت الله مصباح یزدی معتقد است، دلیل امکان استنباط منطقی «باید» از «هست» آن است که صفات و رفتارهای اختیاری انسان از جهت تأثیری که در کمال اختیاری دارند، ارزش گذاری می‌شوند. «باید» در جملات فقهی و اخلاقی لزوم آراسته شدن به برخی صفات و انجام برخی رفتارهای اختیاری را بیان می‌کند که برای دستیابی به کمال اختیاری انسان ضروری است. همچنین «نباید» بیان کننده لزوم پیراسته شدن از برخی صفات و ترک برخی رفتارها برای دستیابی به این هدف است. به بیان فلسفی، نتایج افعال اختیاری معلول آنها هستند. از آنجاکه میان علت و معلول ضرورت بالقیاس وجود دارد، فعل اختیاری نسبت به نتایج خود ضرورت بالقیاس داشته، باید و نبایدهای اخلاقی تعبیراتی از همین رابطه ضرورت بالقیاس است (مصباح، بنیاد اخلاق، ۱۳۸۵: ۶۰-۵۹).

نقد دیدگاه حداقلی

ایشان در نقد دیدگاه باورمند به قلمرو حداقلی قرآن و انحصار آن به مسائل اخلاقی و معنوی و خارج بودن مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از قلمرو قرآن کریم به سه نکته اشاره می‌فرماید:

۱. مقدار آموزه‌های اجتماعی قرآن که ناظر به مسائل دنیایی است، به قدری فراوان است که اندک تأمل موشکافانه در آنها، نادرستی دیدگاه یادشده را برملا می‌سازد. اسلام در تمام ابعادش، اجتماعی است و نگرش اجتماعی بر همه آموزه‌های اسلام حاکم است؛

۲. آموزه‌های قرآنی و روایی، به‌روشنی بر آمیخته‌بودن و جدانبودن سعادت آخرتی از زندگی اجتماعی دلالت دارند و راه دستیابی به سعادت آخرتی را پرداختن به مسائل دنیوی در چارچوب آموزه‌های اسلامی معرفی می‌کنند. این آیات و روایات، گاه به بیان رابطه مثبت یا منفی برخی رفتارهای اجتماعی با سعادت انسان می‌پردازند؛

۳. حتی اگر هدف دین را تأمین سعادت آخرتی، رابطه انسان و خدا و تقویت معنویت و عبودیت بدانیم، قلمرو آن زندگی دنیوی و مسائل اجتماعی را در بر می‌گیرد و میان هر فعالیت فردی و اجتماعی انسان و سعادت اخروی وی، رابطه‌ای مثبت یا منفی وجود دارد که دین باید شکل صحیح انجام دادن آن کار را تعیین کند؛

۴. پرداختن دین به مسائل اجتماعی و دنیایی، در دو سطح مطرح است: نخست، بیان اصول کلی و وجوه ثابت امور دنیوی که قوانین ثابت و جهان‌شمول یا انسان‌شمولی را می‌طلبد، و دوم، بیان وجوه متغیر آن که به تبع تغییر شرایط و متغیرهای مختلف، متنوع می‌شود. سیاستگذاری و تعیین مقررات در بخش متحول و متغیر زندگی انسان، در چارچوب قوانین ثابت دینی مجاز شمرده شده و سازوکار آن در امور ثابت دین تعیین شده است. بنابراین مقررات مربوط به تمامی امور و فعالیت‌های دنیایی و اجتماعی انسان، به صورت خاص یا در یک چارچوب کلی در متن دین آمده است و علوم انسانی هم از قرآن کریم قابل استفاده است. و و روش و حیانی به قلمرو خاصی محدود نیست و محدودیت‌های دیگر روش‌ها در مورد آن معنا ندارد (مصباح‌یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۲: ۳۲).

چگونگی اشتغال قرآن بر علوم انسانی

علامه مصباح درباره چگونگی اشتغال قرآن بر علوم انسانی معتقد است، مطالب مربوط به علوم انسانی در قرآن کریم در قالب یک مجموعه مشخص و نظام مدون و به سبک کتاب‌های علمی تدوین شده نیست؛ همان گونه که مباحث فقهی قرآن نیز چنین نظامی ندارد؛ ولی می‌توان از قواعد و اصول کلی که در قرآن آمده است، با انواع دلالت‌ها، نظام‌هایی را در زمینه مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیر آن استنباط کرد و نیز در موارد خاصی که موضوعات اجتماعی معینی مطرح شده، از آن بهره گرفت و یکی از علوم انسانی را از منظر قرآنی سامان داد یا به تهذیب و تکمیل آن همت گماشت (مصباح‌یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۶: ۳۰۵ - ۳۰۶).

در نتیجه روشن شد که قرآن کریم در مبانی و مسائل علوم انسانی سخن دارد. تولیدات علوم انسانی قرآن‌بنیان توسط متخصصان آن رشته‌ها (مانند: ۱. روان‌شناسی در قرآن؛ بنیان‌های و کاربردها، محمد کاویانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶؛ ۲. معناشناسی افسردگی از منظر قرآن، هادی



بهرامی احسان، احمد رضا اخوت و فاطمه فیاض، انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۹۵؛ ۳. روان شناسی در قرآن، محمد کاویانی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳؛ ۴. مبانی مدیریت در قرآن، محمد بهشتی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ دانش مدیریت در اسلام، سید صمصام الدین قوامی، قم: نشر معارف. ۱۳۹۳؛ ۵. اقتصاد در قرآن: تولید، توزیع، مصرف، رشد، محمد حسین ابراهیمی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵؛ ۶. فلسفه اقتصاد در پرتو جهان بینی قرآن کریم، علی اصغر هادوی نیا، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷؛ ۷. سیاست و حکومت در قرآن، کاظم قاضی زاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشارات، (۱۳۸۴) نیز شاهد بر اشمال قرآن بر این امر است. علامه مصباح در مجموعه ای با عنوان «معارف قرآن» برخی از علوم انسانی را از دیدگاه قرآن کریم آورده است. مانند: ۱. انسان شناسی؛ ۲. اخلاق؛ ۳. جامعه؛ ۴. تاریخ؛ ۵ حقوق؛ ۶. سیاست در قرآن.

۲. ابتنای علوم انسانی قرآن بنیان بر مبنی معرفتی معتبر

گمان برخی مبنی بر اینکه سنخ گزاره ها ذاتاً مقتضی روش خاصی برای اثبات خود بوده و امری غیراختیاری است و در نتیجه به نامعتبر بودن روش دینی در تولید علوم انسانی منجر می شود (ر.ک: سروش، «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی کردن علم»، ۱۳۸۵: ۲۰۹-۲۱۰)، نادرست است و با پیش فرض هایی قابل اثبات است. روش دیگری که قرآن به کار برد وحی الهی بود که به عنوان منبع علوم انسانی قرآن بنیان از اعتبار معرفتی لازم برخوردار است. علامه مصباح معتقدند، علم ضرورتاً این نیست که مستند به تجربه های حسی باشد (مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ۱۳۹۸: ۶۷/۱)؛ بلکه می تواند مستند به دلایل عقلی باشد؛ آن هم نه فقط دلیل عقلی مستقیم، بلکه حتی دلیل عقلی با واسطه. به این معنا که ما ابتدا با عقل یقینی حجیت وحی را اثبات می کنیم و سپس بر اساس آن به وحی استناد می کنیم. اعتبار این راه نه تنها کمتر از روش حسی و تجربی نیست؛ بلکه از ادراکات حسی - که منشأ علوم تجربی اند - بیشتر است (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۲: ۲۴۱-۲۴۲؛ همو، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، ۱۳۹۴: ۲۷۰). مقتضای خردورزی آن است که در پژوهش های علوم انسانی، قرآن مورد توجه قرار گیرد و موافقت یا عدم مخالفت داده های آنها با گزاره های قرآنی به دست آید و باید با همت و تلاش معارف قرآن در آن باب را استخراج کنیم و هرگز به خودباختگی فرهنگی مبتلا نشویم (همان: ۲۷۱).

۳. قابلیت بیانی و زبانی قرآن برای تولید علوم انسانی معتبر

آیا این کتاب الهی از چنان ظرفیت بیانی برخوردار است که قابلیت ارائه نظریه و دیدگاه در علوم انسانی مختلف را داشته باشد و بتوان از آن، دیدگاه استخراج کرد؟ چنان‌که در ادامه خواهد آمد، کسانی معتقدند، زبان قرآن متفاوت از زبان علوم است و این امر مانع از تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان می‌شود؛ ولی علامه مصباح‌یزدی بر این باور است که زبان قرآن تمام مزایای زبان عرف عقلا را دارد و درعین حال از جهت دقت به کارگیری الفاظ و بلندی معانی و مفاهیم، با سخنان بشری متفاوت است (مصباح‌یزدی، «منطق فهم قرآن»، ۱۳۷۹: ۲۹) و نمی‌توان آن را عرفی محض و تک‌ساحتی دانست؛ بلکه زبان قرآن چندساحتی است (مصباح‌یزدی، «میزگرد زبان دین»، ۱۳۷۵: ۱۶).

اول. معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآن کریم

چون علوم انسانی در پی کشف حقایق است، در صورتی تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان میسر خواهد بود که زبان گزاره‌های قرآن کریم شناختاری و معرفت‌بخش بوده و خداوند از بیان آیات آن قصد ارائه معرفت را داشته باشد. برخی، گزاره‌های وحیانی و قرآنی را احساسی یا دارای کارکردی شبیه گزاره‌های اخلاقی می‌دانند (باربور، علم و دین، ۱۳۶۲: ۲۸۴). بعضی نیز گزاره‌های دینی و قرآنی را تنها حیرت‌زا شمرده‌اند (مجتهدشستر، نقدی بر قرائت رسمی از دین، ۱۳۷۹: ۳۸۲)، حال آنکه اولاً به اشتباه گزاره‌های دینی و قرآنی را منحصر در گزاره‌های انشایی و توصیه‌ای و مربوط به اخلاق دانسته، خبر قرآن از امور واقعی مادی و ماورای مادی را نادیده انگاشته‌اند. (سعیدی‌روشن، زبان قرآن و مسائل آن، ۱۳۸۹: ۷۵-۷۲؛ ۲۰۰-۱۹۴)، ثانیاً، گزاره‌های انشایی نیز معرفت‌بخشی متناسب با خود دارند؛ زیرا بایدها بر هست‌ها مبتنی بوده، گزاره‌های انشایی اخلاقی و حقوقی به گزاره‌های توصیفی قابل ارجاع هستند (مصباح‌یزدی، رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی، ۱۳۷۸: ۵۸-۶۲).

علامه مصباح‌یزدی معتقد است، قرآن کریم معرفت‌بخش است و خداوند می‌خواهد معرفتی را به مخاطب برساند، در نتیجه قابل صدق و کذب است و قابل صدق یا کذب یک گزاره به تطابق یا عدم تطابق آن با واقع و نفس‌الامر است (مصباح‌یزدی، قرآن‌شناسی، ۱۳۸۹: ۱/۲۲۴) ادله و شواهد فراوان برون‌متنی و درون‌متنی بر معرفت‌بخشی گزاره‌های قرآنی دلالت دارند. برخی از آنها عبارت‌اند از:

الف. اهداف قرآن و معرفت‌بخشی آن

طبق ادله ضرورت وحی و نبوت، خداوند قرآن کریم را برای هدایت انسان‌ها در ابعاد مختلف، از جمله در بُعد معرفتی، وحی فرموده است. قرآن در صورتی می‌تواند به این هدف والای خود برسد که



آیات آن معرفت بخش باشد؛ بنابراین قرآن کریم معرفت بخش است. قرآن کریم اموری را به عنوان اهداف بینشی برای خود بیان می کند. از جمله: ۱. یادآوری امور فراموش شده (تکویر/ ۲۷)؛ ۲. بیان دلیل روشن بر بینش های صحیح و ضروری (نساء/ ۱۷۴)؛ ۳. بازشناسی حق از باطل (بقره/ ۱۸۵)؛ ۵. رفع اختلاف (نحل/ ۶۴)؛ ۶. تعلیم مردم (نحل/ ۱۸۹). این اهداف جز با ارائه معارف ضروری - که لازمه اش معرفت بخشی قرآن کریم است - حاصل نمی شود. خدای حکیم کتابی نمی فرستد که اهداف از آن فراهم نیاید. علامه مصباح یزدی معتقد است: «خداوند در آیاتی تدبّر در قرآن را هدف نزول دانسته است و مردم را به خاطر تدبّر نکردن در آن نکوهش کرده است. اگر قرآن از سوی غیر خدا می بود، ناهماهنگی فراوانی در آن می یافتند و نیز تدبّر در قرآن را راهی برای فهم یکی از ابعاد اعجاز قرآن دانسته است (مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۱۴۷-۱۶۵). قرآن کریم تنها با زبان معرفت بخش می تواند به این هدف آگاهی بخش برسد. بنابراین قرآن کریم معرفت بخش است.

ب. شیوه بیان قرآن و معرفت بخشی آن

پیش تر گذشت، آیت الله مصباح یزدی معتقد است، قرآن به زبان و شیوه عرف عقلای جامعه انسانی سخن گفته است. در سیره عقلا اصل اولی این است که سخن افراد حکیم، معرفت بخش بوده، برای انتقال به دیگران بیان شده است، مگر قرینه ای برخلاف آن در کلام باشد که بفهماند صاحب سخن قصد معرفت بخشی ندارد. در مورد قرآن چنین قرینه ای وجود ندارد.

ج. روشنگر بودن قرآن

قرآن کریم خود را چندین بار با واژه «نور»، به صورت نکره مانند: «وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا» (نساء/ ۱۷۴)؛ و به صورت معرفه مانند: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ» (یوسف/ ۱)، وصف کرده است (برای توضیح بیشتر ر. ک: مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۹: ۶۳/۱). روشن گر بودن گزاره های قرآن نشان از معرفت بخشی آن است. نتیجه اینکه گزاره های قرآنی معرفت بخش است. معرفت بخش بودن قرآن، افزون بر میسر ساختن تولید علوم انسانی قرآن بنیان، زمینه بحث از واقع نمایی قرآن کریم، به عنوان یکی دیگر از مبانی تولید علوم انسانی قرآنی معتبر را فراهم می کند؛ زیرا بدون اثبات معرفت بخشی قرآن، بحث از واقع نمایی گزاره های قرآن جایی نخواهد داشت.

دوم. واقع نمایی گزاره های قرآنی

مراد از واقع نمایی گزاره های قرآنی این است که مفاد آنها صادق بوده، با واقع تطابق دارد. واقع نمایی گزاره های قرآنی از شرایط تولید علوم انسانی قرآن بنیان است؛ زیرا علوم انسانی امری از واقع را تبیین

می‌کند و این تبیین جز با واقع‌نما بودن گزاره‌ها ممکن نیست. لازمه غیرواقع‌نما پنداشتن گزاره‌های قرآن کریم این است که قرآن نقشی در کشف یا بیان واقعیت امور نداشته، در نتیجه در تولید علوم انسانی نقشی را ایفا نمی‌کند.

قرآن کریم واقع‌نماست و گزاره‌های توصیفی قرآن به حق از واقع خارجی خبر می‌دهد و گزاره‌های انشایی به امور سعادت‌آور فرمان داده و از امور شقاوت ساز نهی می‌کند. آیت‌الله مصباح‌یزدی با توجه به ادله و شواهد متعدد، قرآن را واقع‌نما می‌داند. وی می‌فرماید: «زبان قرآن، زبان حقیقت است (مصباح‌یزدی، معارف قرآن، خداشناسی، کیهان‌شناسی و انسان‌شناسی، ۱۳۷۶: ۱-۳/۴۴۹). خداوند قرآن کریم را به‌عنوان موعظه و درمان دردهای روحی انسان فرستاده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاء لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس/ ۵۷)؛ این هدف جز با واقع‌نمای گزاره‌های آن حاصل نمی‌شود (مصباح‌یزدی، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، ۱۳۹۴: ۳۳۶). همچنین این کتاب الهی برای خود پاره‌ای اوصاف را می‌شمارد که ناظر به واقع‌نمایی گزاره‌های آن است. این اوصاف عبارت‌اند از:

الف. «حق» و «صدق»

﴿يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (احقاف/ ۳)؛ «به‌سوی حق و به‌سوی راهی راست راهبری می‌کند.»

﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ﴾ (زمر/ ۳۲)؛ «چه کسی ستمکارتر از آن است که دروغ بر خدا بسته و چون (سخن) راست (قرآن) برایش آمد، آن را تکذیب می‌کند.»

«حق»، مصدر و به‌معنای ثبوت است و در معنای وصفی «ثابت» نیز به کار می‌رود (ر.ک: فیروزآبادی، قاموس المحيط، ۱۴۱۸، واژه حق). حق به معنای کلام یا اعتقاد یا ادعای مطابق با واقع و تقریباً مترادف با صدق نیز به کار می‌رود. گفته شده است که اگر نظر به مطابقت کلام با واقع باشد، لغت «صدق» به کار می‌رود که در آیه دوم آمده است و اگر نظر به مطابقت واقع با کلام یا عقیده باشد، لفظ «حق» استعمال می‌شود. توصیف قرآن به حق در آیه بالا به معنای مطابقت با واقع خارجی است (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ق: ۱۹/۲۷۱-۲۷۲)؛ یعنی اگر قرآن از تحقق امری سخن می‌گوید و یا وجود رابطه بین دو یا چند متغیر بیان می‌فرماید، واقع خارجی نیز چنین است. همچنین اگر به کاری فرمان می‌دهد، آن کار با سعادت انسان ارتباط مستقیم دارد.



ب. برهان

قرآن خود را برهان می‌خواند: «قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (نساء/ ۱۷۴)؛ «به تحقیق که برهانی از سوی خداوندگارتان برایتان آمده است.» خداوند در این آیه شریفه قرآن را برهان می‌خواند و برهان، دلیل روشنی است که جای شک و شبهه‌ای باقی نگذارد (مصباح یزدی، درباره پژوهش، ۱۳۸۹: ۶۳)، کتابی که برهان است، به یقین واقع‌نما نیز خواهد بود.

ج. جداکننده حق از باطل

قرآن کریم خود را جداکننده حق از باطل می‌داند: «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ» (طارق/ ۱۳)؛ «در حقیقت قرآن گفتاری روشن‌گر است.» ماده «فصل» به معنای جداکردن و تمیزدادن است. جداکردن گاهی در امور حسی به کار می‌رود و بر فاصله‌انداختن میان دو امر مادی و محسوس دلالت دارد؛ و گاهی در امور اعتباری، مانند قضاوت و نیز در امور معنوی، مانند جداکردن حق از باطل استعمال می‌شود و تفصیل به واسطه رفتن به باب تفعل، بر کثرت دلالت می‌کند (فراهدی، العین، ۱۴۱۴، ماده فصل). اطلاق تفصیل (یونس/ ۳۷) و مفصل (انعام/ ۱۴) بر قرآن، به لحاظ بازکردن و توضیح‌دادن مطالب و تقریباً مرادف با تبیین است (مصباح یزدی، درباره پژوهش، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴). کتابی می‌تواند حق را از باطل جدا کند که خود واقع‌نما باشد.

د. به دور از اختلاف

طبق ادله و شواهد، قرآن کریم سخن و معجزه الهی است و در آیات متعدد، از همگان می‌خواهد، با همکاری خود، همانند قرآن، ده سوره و یا دست‌کم یک سوره مانند سوره‌های آن بیاورند (طور/ ۳۴-۳۳؛ هود/ ۱۳؛ بقره/ ۲۳-۲۴). مخالفان به‌رغم تلاش فراوان، حتی یک سوره مانند قرآن نیاوردند. یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم دوری آن از اختلاف است. آیت‌الله مصباح با عنایت به آیه شریفه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/ ۸۲)، معتقد است، به‌رغم شمول قرآن کریم نسبت به موضوعات گوناگون و نزول تدریجی، هیچ اختلافی در آن یافت نمی‌شود و آیات آن از هماهنگی کامل برخوردارند (مصباح یزدی، درباره پژوهش، ۱۳۸۹: ۱۶۶-۱۶۷). این ویژگی قرآن، گواه بر واقع‌نمایی گزاره‌های آن است؛ چراکه در صورتی قرآن خالی از اختلاف خواهد بود که تمام آن حق و واقع باشد. اگر تمام یا بخشی از قرآن غیرواقع بود، اختلاف در آن نفوذ می‌کرد؛ زیرا باطل و سخن کاذب با حق هماهنگ نیست. حتی در مواردی چند باطل نیز با هم ناهماهنگ هستند. بنابراین قرآن واقع‌نماست و این ویژگی‌های گزاره‌های قرآن زمینه اعتبار علوم انسانی

قرآن بنیان را فراهم می‌آورد؛ زیرا می‌توان دستورات آن در باب مسائل مختلف انسانی را ملاک عمل قرار داد و با آن مسائل هستی‌شناختی انسان را تفسیر کرد. آیت‌الله مصباح‌یزدی بر اساس باور به صادق و واقع‌نما بودن گزاره‌های قرآن، از آن برای تولید نظریه در علوم انسانی توصیفی مانند انسان‌شناسی و علوم انسانی دستوری مانند حقوق و اخلاق استفاده کرده‌اند و معارف قرآن کریم را تألیف کرده‌اند.

سوم. جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن کریم

از جمله مسائل مربوط به اعتبار علوم انسانی قرآن بنیان، جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن کریم است. اگر قرآن ویژه مردمان زمان نزول می‌بود، از آن انتظار پاسخ‌گویی به نیازهای امروزی انسان‌ها درست نبود، در نتیجه تلاش برای تولید علوم انسانی قرآن بنیان بیهوده می‌شد.

آیت‌الله مصباح معتقد است، قرآن کریم جهانی و جاودانه است؛ یعنی پیام آن نه مخصوص یک دوره زمانی، بلکه هدیه الهی برای تمام بشریت بوده و آمده است تمام انسان‌ها در هر زمانی را به راستی و درستی رهنمون باشد. قرآن همه ملت‌ها را به آیین و معارف و مقررات خود دعوت کرده، هیچ فرد و گروه و ملت و نژادی را استثنا نکرده است. آیاتی که برای اثبات جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن کریم آورده است، چند دسته‌اند:

الف. آیاتی که قرآن را برای «جهانیان» و یا «مردم» می‌داند. مانند: ﴿إِنَّهُ هُوَ إِلَهٌ لَا ذِكْرَ لِلْعَالَمِينَ﴾ (انعام/ ۹۰)؛ «آن (قرآن) جز یادآوری برای جهان (چیز دیگری) نیست.»

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ...﴾ (کهف/ ۵۴)؛ «و هر آینه در این قرآن برای مردم از هرگونه مثالی آوردیم.»

ب. آیاتی که پیروان ادیان مختلف را خطاب کرده، آنان را به ایمان به قرآن و معارف آن دعوت کرده، یا سعادتمندان را به آن پیوند داده است، مانند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (حج/ ۱۷)؛ «همانا کسانی که ایمان آوردند (مسلمانان) و کسانی که یهودی شدند و صابئان و نصرانیان و گبران و کسانی که مشرک شدند، خداوند میان‌شان روز رستاخیز داوری می‌کند، همانا خدا بر هر چیزی گواه است.»

ج. آیاتی که همه انسان‌ها را با تعبیر «یا بنی آدم» خطاب کرده است و راه درست هدایت را به آنان نشان می‌دهد. مانند: ﴿يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ﴾ (اعراف/ ۲۷)؛ «ای فرزندان آدم، مبادا شیطان فریبتان دهد، چنان‌که پدر و مادران را از بهشت بیرون کرد.»

د. آیاتی که همه را با تعبیر «یا ایها الناس» خطاب قرار داده، آنان را به عمل به دستورات الهی دعوت می‌کند، مانند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره/ ۲۱)؛ «ای مردم خداوندگارتان را که شما و پیشینیان شما را آفریده، بپرستید، باشد که پرهیزکار شوید.»



آیات بیانگر جهان شمولی و جاودانگی رسالت پیامبر اکرم ﷺ نیز با واسطه بر جاودانگی قرآن کریم دلالت دارد؛ زیرا منبع اصلی رسالت حضرت قرآن کریم است. علامه مصباح یزدی این آیات را نیز بررسی کرده، شبهات مربوط جهانی و جاودانگی قرآن کریم را نیز پاسخ داده است (ر.ک: مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۲۷۵-۲۸۲).

نتیجه اینکه قرآن کریم جهانی و جاودانه است و برای مردمان همه مکان ها و زمان ها پیام دارد. این امر از چند جهت در تولید علوم انسانی قرآن بنیان مؤثر است:

۱. زمینه تلاش محققان برای جستجوی پاسخ نیازهای مردم زمان خود را فراهم می سازد؛
۲. دیدگاه استخراج شده قرآن کریم در باب علوم انسانی، در مقام عمل معتبر خواهد بود؛ زیرا عموم آیات قرآن به سبب نزول اختصاص نداشته، حکم آن شامل تمام موارد می شود (ر.ک: طبرسی، مجمع البیان فی علوم القرآن، ۱۴۰۸: ۱۰/۶۱۲؛ صالح، مباحث فی علوم القرآن، ۱۳۷۲: ۱۵۸). از این مسئله در اصول و فقه به قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» (ر.ک: غروی اصفهانی، الفصول الغرویة فی اصول الفقه، ۱۴۱۴ق: ۳۳۰) و در تفسیر به «قاعده جری» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷: ۱/۳۷، ۴۲، ۳۲۵) یاد می شود؛ یعنی حتی آموزه های قرآنی مربوط به افراد خاص و یا شرایع پیشین، با شرایطی قابل تعمیم است و زمینه استخراج نظریه قرآن کریم در هر مکان و زمان را فراهم می کند.

۴. اعتبار روش فهم مسائل علوم انسانی از قرآن

فهمی که از قرآن کریم درباره مسائل علوم انسانی، با روش درست حاصل می شود گرچه در مواردی ظنی یا خطاست؛ ولی این امر بر اعتبار علوم انسانی قرآن بنیان لطمه ای نمی زند. توضیح اینکه اولاً روش تجربی که علوم انسانی موجود را شکل داده است، ظنی است. حتی پوپر مشاهده را منبع معرفت ندانسته، اغلب تقریرها آن را غلط می داند (ر.ک: پوپر، حدس ها و ابطال ها: رشد معرفت علمی، ۱۳۶۳: ۳۰، ۳۵). یکی از مخالفان علوم انسانی قرآن بنیان معتقد است، تجربه تاکنون یک قانون علمی ۱۰۰ درصد دقیق و غیر تقریبی به چنگ نیاورده است (ر.ک: سروش، صراط های مستقیم، ۱۳۷۷: ۳۷). ثانیاً، فهم سخن - جز اندکی - ظنی است و اختصاصی به آیات قرآن ندارد. زبان متکی بر اصول محاوره عقلایی است. منتهی ظن دو گونه معتبر و نامعتبر داریم. طبق سیره عقلا در فهم یک سخن، گمان معتبری که با روش درست از آیات قرآن کریم حاصل می شود، علم تلقی شده، آثار علم بر آن مترتب می شود (مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹). ثالثاً احتمال خطا در فهم قرآن کریم آن را از اعتبار نمی اندازد، همان گونه که احتمال اشتباه در انجام عملیات ریاضی آن را غیر قابل اعتماد نمی سازد (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۲: ۲۲۵-۲۲۷).

پاسخ به شبهات

برای اثبات اعتبار علوم انسانی قرآن بنیان افزون بر ادله‌ای که بیان شد، پاسخ به شبهات نیز ضروری است (برای آگاهی برخی از این شبهات و پاسخ آن درباره علوم انسانی اسلامی ر.ک: حسینی و محیطی اردکانی، بررسی چالش‌های معرفت‌شناختی «امکان علوم انسانی اسلامی» براساس دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح یزدی، ۱۴۰۱: ۱۸-۲۵).

شبهه اول: نپذیرفتن نظریه قرآنی توسط غیرمسلمان

ممکن است، نسبت به اعتبار علوم انسانی قرآن بنیان شبهه شود، نظریه در صورتی اعتبار دارد که همگانی باشد و از هرکسی بتوان مطالبه قبول و تسلیم کرد. در تولید علوم انسانی قرآن بنیان، چه در مقام گردآوری و چه در داوری، صرفاً به خود قرآن تمسک می‌شود و کاملاً نقلی خواهد بود. در نتیجه علوم انسانی مستخرج برای ناباوران به قرآن معتبر نخواهد بود.

پاسخ: تفاوت میان معتبر و مقبول و معتبر بودن نظریه قرآنی

نخست اینکه، باید بین پذیرش عموم و اعتبار هر نظریه فرق گذاشت. نظریه تبیین واقع است و پذیرش چیز دیگری است. اگر نظریه قرآنی بخشی از واقعیت انسانی را تبیین کند که می‌کند، نظریه معتبر خواهد بود؛ گرچه ممکن است برخی آن را نپذیرند (ر.ک: مصباح یزدی، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، ۱۳۹۴: ۲۱۴، ۲۷۱)؛ چنان‌که نظریه‌ای که از علم تجربی به دست آمده است، ناباروان به روش آن نمی‌پذیرند. دوم اینکه، روش تولید نظریه در علوم انسانی فراتر از روش تجربی است. نباید تنها به حس و عقل اکتفا کرد؛ چنان‌که گذشت در تولید علوم انسانی به آیات قرآن استناد می‌کنیم؛ چون پشتوانه عقلی دارد و با براهین عقلی اثبات شده است که قرآن کریم وحی خداوندی بوده (مصباح یزدی، قرآن شناسی، ۱۳۸۹: ۱/ ۹۷-۲۸۰) و معارف آن عقلانی و برای همگان معتبر است.

شبهه دوم: تجربه ناپذیر بودن نظریه قرآنی

معیار نهایی برای داوری درباره مسائل علمی، واقعیت عینی است که از راه تجربه کشف می‌شود. حق یا باطل بودن، و درست یا نادرست بودن هر نظریه در قلمرو علوم باید با تجربه محک بخورد و اثبات شود که آن هم دینی و غیردینی ندارد. هرکسی با هر اعتقاد دینی یا ضد دینی، در صورتی که شرایط تجربه را به درستی رعایت کند، به همان نتیجه‌ای می‌رسد که دیگران رسیده‌اند. شناخت واقعیت یک شناخت عام، کلی و مستقل از همه پیش زمینه‌هاست که باورها و ارزش‌های دینی در آن دخالتی ندارند.



پاسخ: منحصرنودن علم به تجربه

این ادعا که تجربه، تنها راه معتبر برای رسیدن به واقعیت است، ادعایی بی دلیل است و هیچ دلیل عقلی، نقلی یا تجربی بر اثبات این مدعا وجود ندارد. این مسئله اصلاً قابل تجربه نیست و تجربه از اثبات این مطلب غیرتجربی عاجز است و اگر با غیر تجربه مانند دلیل عقلی یا نقلی ثابت شود، به این دلیل که با تجربه محک نخورده است، معتبر نیست. به علاوه، اعتبار همه معرفت‌های بشر (حتی معرفت‌های تجربی) به استدلال عقلی است. باید توجه کرد، ارزش معرفت‌شناختی تجربه هرگز به حد یقین نمی‌رسد و جز معرفتی ظنی به دست نمی‌دهد. آشکارشدن بطلان نظریات تجربی در طول تاریخ علوم گوناگون، شاهدی قاطع بر خطاپذیری آن است. این درحالی است که وحی الهی به پیامبران و معرفت ایشان به محتوای وحی اشتباه‌ناپذیر است؛ بنابراین، در صورتی که پیامبر بفرماید به من وحی شده است که این مسئله بدین گونه است، جای شک و شبهه‌ای در آن باقی نمی‌ماند؛ هرچند تجربه حسی آن را نشان ندهد. در نتیجه برخی علوم چند روشی هستند و یکی از آن روش‌ها، روش نقلی و استفاده از منابع دینی است (مصباح یزدی، رابطه علم و دین، ۱۳۹۲: ۱۸۴-۱۸۵). و قرآنی بودن هر نظریه به این معناست که از طریق مراجعه به قرآن با درجه‌ای از اطمینان علمی اثبات شده شود (همان: ۱۳-۱۴).
بنابراین طبق نظر علامه مصباح یزدی، با روش صحیح فهم می‌توان علوم انسانی قرآن بنیان معتبر تولید کرد.

نتیجه

از بررسی مسئله تحقیق، نتایج ذیل به دست آمد:

۱. ادله عقلی و نقلی و ویژگی‌های قرآن کریم گواهی می‌دهد قلمرو موضوعی آن علوم انسانی را شامل می‌شود؛
۲. علوم انسانی قرآن بنیان که با روش درست نظریه‌پردازی تولید شود، به جهت برخوردای از اتقان بیشتر و توجه به ساحت روحانی و همه ابعاد وجودی و زندگی اخروی انسان، بر علوم انسانی تجربی مزیت دارد؛
۳. قرآن وحی الهی بوده و وحی الهی معرفت معتبری است، در نتیجه علوم انسانی حاصل از گزاره‌های قرآنی طبق معیارهای معرفت‌شناختی معتبر خواهد بود؛
۴. گزاره‌های قرآن کریم، شناختار، هماهنگ از درون، واقع‌نما، جهانی و جاودانه بوده، توان زبانی و بیانی برای تولید علوم انسانی قرآن بنیان را دارد؛

۵. طبق سیره عقلا، فهمی که از آیات قرآن کریم در باب علوم انسانی با روش درست به دست می‌آید؛ گرچه ممکن است ظنی باشد؛ ولی ظن معتبر و اطمینان آور است و احتمال خطا در آن از اعتبارش نمی‌اندازد.

۶. می‌توان، بلکه باید با روش درست، بنای مستحکمی از علوم انسانی بر اساس قرآن پایه‌گذاری کرد و زمینه پیشرفت سعادت‌مند انسان‌ها در ساحت‌های مختلف را فراهم کرد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعه المصطفی، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. اسعدی، محمد، سایه‌ها و لایه‌های معنایی؛ درآمدی بر «دیدگاه معناشناسی مستقل فرازهای قرآنی درپرتو روایات تفسیری»، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۳. اخوان مقدم، زهره، اسحاقی، نیره، مطالعه تطبیقی دیدگاه علامه طباطبائی و علامه جوادی آملی در جایگاه و کارکرد و شیوة نقد روایات در تفسیر قرآن، دوفصلنامه مطالعات تفسیر تطبیقی، ش ۱۴، ۱۴۰۱ ش.
۴. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع مثانی، بیروت: دارالکتب التجارية، ۱۴۱۴ ق.
۵. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه بهاء‌الدین خرماشی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ ش.
۶. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسة البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۷. پوپر، کارل ریموند، حدس‌ها و ابطال‌ها: رشد معرفت علمی، ترجمه: احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۳ ش.
۸. توفیق، خالد، «التفسیر الموضوعی، مقارنات بین السید الصدر و آخرین»، مجله الفکر الاسلامی، ش ۲۴ و ۲۵، سال هفتم، رمضان ۱۴۲۱ ق.
۹. تهانوی، محمد بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
۱۰. جزائری، نورالدین، فروق اللغات فی التمییز بین مفاد الکلمات، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، بی‌تا.
۱۱. حسینی، سیدحسین، محیطی‌اردکانی، محمدعلی، بررسی چالش‌های معرفت‌شناختی «امکان علوم انسانی اسلامی» براساس دیدگاه‌های آیت‌الله مصباح‌یزدی، مجله معرفت، شماره ۳۰۱، دی ۱۴۰۱.
۱۲. خامنه‌ای، سید علی، بیانات معظم له در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۷/۲۸، برگرفته از سایت www.khamenei.ir
۱۳. الدراز، محمد عبدالله، النبأ العظیم، کویت: دار القلم، طبع ۳، ۱۳۹۴ ق.
۱۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مکتب‌های روان‌شناسی و نقد آن، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۱۵. رجبی، محمود، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمد تقی مصباح»، قرآن‌شناخت، ش ۴، سال دوم، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
۱۶. رشیدرضا، محمد، التفسیر القرآن الحکیم (المنار)، بیروت: دار المعرفة، بی‌تا.
۱۷. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۱۸. سروش، عبدالکریم، «اسلام و علوم اجتماعی؛ نقدی بر دینی‌کردن علم»، علم دینی؛ دیدگاه‌ها و ملاحظات، به کوشش سیدحمیدرضا حسنی، مهدی علی‌پور، سیدمحمدتقی ابطحی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. ———، صراط‌های مستقیم، تهران: موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۷ ش.
۲۰. سعیدی‌روشن، محمدباقر، زبان قرآن و مسائل آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۲۱. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات الرضی، ۱۳۷۲.
۲۳. صفارقمی، محمد بن حسن بن روح، بصائر الدرجات، تعلیق محسن کوچه‌باغی، قم: کتابخانه آیت‌الله‌العظمی مرعشی‌نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۵. ———، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی علوم القرآن، تحقیق سیدهاشم رسولی‌محلاتی و سیدفضل‌الله یزدی طباطبایی، بیروت: دار المعرفة، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. عاملی، محمدبن مکی (شهیداول)، القواعد و الفوائد، تحقیق سید عبدالهادی حکیم، قم: کتابفروشی مفید، بی‌تا.
۲۸. غروی اصفهانی، محمدحسین، الفصول الغرویة فی اصول الفقه، قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، تهران: اسوه، ۱۴۱۴ ق.
۳۰. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۸ ق.
۳۱. کریمی، مصطفی، «ماهیت تفسیر موضوعی»، قرآن‌شناخت، ش ۶، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۳۲. کریمی، مصطفی، جامعیت قرآن کریم؛ پژوهشی در قلمرو قرآن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.



۳۳. گروهی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰.
۳۴. مجتهدشستر، محمد، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.
۳۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۳۶. مصباح یزدی، مجتبی، بنیاد اخلاق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸.
۳۸. ———، «تفسیر موضوعی» (گفتگو)، معرفت، ش ۱۳۶، فروردین ۱۳۸۸.
۳۹. ———، «منطق فهم قرآن»، قیسات، ش ۱۸، زمستان ۱۳۷۹.
۴۰. ———، «میزگرد زبان دین»، معرفت، ش ۱۹، سال پنجم، زمستان ۱۳۷۵.
۴۱. ———، انسان شناسی در قرآن، تنظیم و تدوین: محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۹.
۴۲. ———، پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ نهم، ۱۳۹۴.
۴۳. ———، درباره پژوهش، تحقیق جواد عابدینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، زمستان ۱۳۸۹.
۴۴. ———، رابطه ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی با علوم انسانی، حوزه و دانشگاه: مجموعه مقالات و مصاحبه های برگزیده؛ کتاب اول، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.
۴۵. ———، رابطه علم و دین، تحقیق و نگارش: علی مصباح، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲ ش.
۴۶. ———، سخنرانی استاد در مراسم افتتاحیه سال تحصیلی ۸۸-۸۹ در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۸۸/۰۷/۱۳.
۴۷. ———، سخنرانی استاد در هشتمین همایش وحدت حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹/۱۰/۴.
۴۸. ———، قرآن شناسی، ج ۱، نگارش محمود رجبی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
۴۹. ———، قرآن شناسی، ج ۲، تحقیق و نگارش غلامعلی عزیزی کیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.

۵۰. ———، مصباح یزدی، محمدتقی، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، تحقیق و نگارش غلامرضا متقی فر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، چ ۵، ۱۳۹۴.
۵۱. ———، معارف قرآن، خداشناسی، کیهان شناسی و انسان شناسی ج ۳-۱، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۶.
۵۲. ———، معارف قرآن، راه و راهنماشناسی، بازنگری و تصحیح مصطفی کریمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۹۵.

References

1. Quran –e – Karim (*Th Holy Quran*), Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors from Al-Mustafa University, Al-Mustafa International Publications, Qom: 2nd Edition, 1388 SH (2009 CE).
2. Alusi, Mahmoud, *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Quran al-Azim wa al-Sab' Mathani (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran and the Seven Repetitions)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1414 AH (1993 CE).
3. Akhoond Moghaddam, Zahra; Eshaqi, Nayereh, *Motale'eh-ye Tatbiqi-ye Didgah-e Allameh Tabataba'i va Allameh Javadi Amoli dar Jaygah va Karkard va Shive-ye Naghd-e Ravayat dar Tafsir-e Quran (A Comparative Study of the Views of Allameh Tabatabai and Allameh Javadi Amoli on the Position, Function, and Method of Criticizing Narratives in the Interpretation of the Quran)*, Do-Faselnemeh-ye Motale'at-e Tafsiri-ye Tatbiqi (Comparative Interpretation Studies Biannual Journal), No. 14, 1401 SH (2022 CE).
4. Ameli, Mohammad bin Maki (Shaheed Awwal), *Al-Qawaid wal-Fawa'id (The Rules and Benefits)*, Researched by Sayyid Abdul Hadi Hakim, Qom: Ketabkhaneh Mofid, n.d.
5. Asa'adi, Mohammad, *Saya-ha va Layeha-e Ma'navi: Daramadi bar "Didgah-e Ma'nashenasi-ye Mostaqel-e Farazha-ye Qor'ani dar Porotu-ye Ravayat-e Tafsiri" (Shadows and Semantic Layers: An Introduction to "Independent Semantic Approach to Quranic Verses in Light of Interpretive Narratives")*, Qom: Bustan Ketab, 1385 SH (2006 CE).
6. Bahrani, Seyyed Hashem, *Al-Burhan fi Tafsir al-Quran (The Evidence in Quran Interpretation)*, Tehran: Markaz al-Taba'ah wa al-Nashr fi Moassasat al-Ba'thah, 1417 AH (1996 CE).
7. Barbour, Ian, *Elm va Din (Science and Religion)*, Translated by Bahauddin Khorramshahi, Tehran: Markaz Nashr Daneshgahi, 1362 SH (1983 CE).
8. Dafter-e Hamkari-ye Howzeh va Daneshgah, *Makateb-e Ravanshenasi va Naqdh-an (Psychological Schools and Their Critique)*, Tehran: Sazman-e Motale'e va Tadvin-e Kutub-e Olum-e Ensani-ye Daneshgah-ha (SAMT), 2nd Edition, 1373 SH (1994 CE).
9. Dorazi, Mohammad Abdullah, *Al-Naba al-Azim (The Great Tidings)*, Kuwait: Dar al-Qalam, 3rd Edition, 1394 AH (1974 CE).
10. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Tartib Kitab al-Ayn (Arrangement of the Book of Ayn)*, Tehran: Uswa, 1414 AH (1993 CE).
11. Fayruzabadi, Mohammad bin Yaqub, *Qamus al-Muhit (The Ocean Dictionary)*, Beirut: Mu'assasat al-Risalah, 1418 AH (1997 CE).
12. Gharavi Esfahani, Mohammad Hossein, *Al-Fusul al-Gharawiyyah fi Osoul al-Fiqh (Gharawi Chapters in the Principles of Jurisprudence)*, Qom: Dar Ihya al-Ulum al-Islamiyyah, 1404 AH (1983 CE).
13. Group of Authors, *Falsafeh-e Taeleem va Tarbiyat-e Eslami (Philosophy of Islamic Education)*, Under the Supervision of Mohammad Taqi Mesbah-Yazdi,

- Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1390 SH (2011 CE).
14. Hosseini Ardekani, Seyyed Hossein and Mahdavi Ardekani, Mohammad Ali, *Barresi-e Challashat-e Marefat-Shenakhti "Emkan-e Elm-e Ensan-e Islami" bar Asas-e Didgahe Ayatollah Mesbah Yazdi (Investigating the Epistemological Challenges of "The Possibility of Islamic Humanites" Based on the Views of Ayatollah Mesbah Yazdi)*, Ma'rifat Journal, No. 301, December 1401 AH (2022 CE).
 15. Jazayiri, Nur al-Din, *Furuq al-Lughat fi al-Tamayuz bayn Mafad al-Kalimat (Differences in Languages in Distinguishing Word Meanings)*, Qom: Moassasat al-Nashr al-Islami, n.d.
 16. Karimi, Mostafa, *"Mahiyyat-e Tafsir-e Mowdu'i" (The Nature of Thematic Interpretation)*, Quranshenasi, No. 6, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1389 SH (2010 CE).
 17. Karimi, Mostafa, *Jam'eiyat-e Quran-e Karim; Pazhoheshi dar Qalamroo-ye Quran (The Universality of the Noble Quran; A Research in the Domain of the Quran)*, Tehran: Pajooreshgah Farhang va Andisheh Islami, 1390 SH (2011 CE).
 18. Kavyani Arani, Mohammad, *"Chisti-ye Ravanshenasi-ye Qorani Bonyan" (Foundations of Quranic Social Psychology)*, Quran va Elm, No. 25, Spring and Summer 1399 SH (2020 CE), pages 35-64.
 19. Khamenei, Seyyed Ali, *Bayanat-e Mo'azam-e Lah dar Didar-e Jome'i az Banovan-e Quran-Pazhu Keshvar*, July 28, 1388 SH (2009 CE), retrieved from www.khamenei.ir.
 20. Majlisi, Mohammad Baqir, *Bihar al-Anwar al-Jami'ah le Durar Akhbar al-A'imma al-Athar (Seas of Light, The Comprehensive Collection of Narrations about the Pure Imams)*, Tehran: Islamiah, 1403 AH (1983 CE).
 21. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *"Manteq-e Fahm-e Quran" (Logic of Understanding the Quran)*, Ghobasat, No. 18, Winter 1379 SH (2000 CE).
 22. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *"Mizgard-e Zaban-e Din" (Roundtable on the Language of Religion)*, Ma'aref, No. 19, Winter 1375 SH (1996 CE).
 23. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *"Tafsir-e Mowdu'i" (Thematic Interpretation)*, Interview, Ma'aref, No. 136, Farvardin 1388 SH (2009 CE).
 24. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Amoozesh Falsafeh (Philosophy Education)*, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1398 SH (2019 CE).
 25. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Darbareye Pazhuhesh*, Researched by Javad Abedini, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), Winter 1389 SH (2010 CE).
 26. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Ensan-shenasi dar Quran*, Compiled and Edited by Mahmoud Fathali, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1399 SH (2020 CE).



27. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Ma'aref-e Quran, Khodashenasi, Kianashenasi va Ensanashenasi*, Vol. 3-1, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1376 SH (1997 CE).
28. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Ma'aref-e Quran, Rah va Rahnamashenasi*, Revised and Corrected by Mostafa Karimi, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1395 SH (2016 CE).
29. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Pasokh-e Ostad be Javanan-e Porseshgar (Teacher's Response to Inquisitive Youth)*, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 9th Edition, 1394 SH (2015 CE).
30. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Pishniazha-ye Modiriyat Eslami (Prerequisites of Islamic Management)*, Researched and Compiled by Gholamreza Motaghifar, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), Vol. 5, 1394 SH (2015 CE).
31. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Quranshenasi*, Vol. 1, Compiled by Mahmoud Rajabi, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1389 SH (2010 CE).
32. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Quranshenasi*, Vol. 2, Researched and Compiled by Gholamali Azizikiya, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1386 SH (2007 CE).
33. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Ravabet-e Elm va Din (The Relationship of Science and Religion)*, Researched and written by Ali Mesbah, Qom: Entesharat Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1392 SH (2013 CE).
34. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Ravabet-e Ideologi va Farhang-e Eslami ba Olum-e Ensani (The Relationship of Ideology and Islamic Culture with Humanites)*, Qom: Moasseseh Pazhouheshi va Daneshgahi, 1378 SH (1999 CE).
35. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Speech of the Teacher at the Eighth Congress of Unity between the Seminary and University*, 4/10/1389 SH (2010 CE).
36. Mesbah-Yazdi, Mohammad Taqi, *Speech of the Teacher at the Opening Ceremony of the Academic Year 88-89 at the Educational and Research Institute of Imam Khomeini (RA)*, 13/07/88 SH (2009 CE).
37. Mesbah-Yazdi, Mojtaba, *Bonyad-e Akhlaq (Foundations of Ethics)*, Qom: Moasseseh Amuzeshi va Pazhouheshi Imam Khomeini (RA), 1385 SH (2006 CE).
38. Mirzaei, Mohammad; Karimi, Mostafa; Salimi, Ali; Shaei, Ali Asghar, "*Tahlil-e Mafhoom-e Anomi dar Quran ba Takid bar Surah Mubarakah Baqarah*" (*Analysis of the Concept of Anomie in the Quran with Emphasis on Surah Baqarah*), Quran va Elm, No. 32, Spring and Summer 1402 SH (2023 CE), pages 122-146.
39. Mojtabeh-Shabestari, Mohammad, *Naqdi bar Qira'at-e Resmi az Din (Critique of the Formal Reading of Religion)*, Tehran: Tarh-e Now, 1379 SH (2000 CE).
40. Popper, Karl Raimund, *Hads-ha va Abtal-ha: Roshd-e Marefat-e 'Elmi (Guesses and Refutations: The Growth of Scientific Knowledge)*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Sherkat Sahami Enteshar, 1363 SH (1984 CE).
41. Rajabi, Mahmoud, *Tafsir-e Mawdu'hi-ye Quran az Manzur-e Ostad Mohammad Taqi Mesbah (Thematic Interpretation of the Quran from the Perspective of*

- Professor Mohammad Taqi Mesbah), Qoran Shenasi Journal, No. 4, Year 2, Issue 2, Fall and Winter 1388 SH (2009 CE).
42. Rashid Rida, Mohammad, *Al-Tafsir al-Quran al-Hakim (Al-Manar)*, Beirut: Dar al-Ma'arifah, n.d.
 43. Saeedi Roshan, Mohammad Baqer, *Zaban-e Quran va Masa'el-e An (The Language of the Quran and Its Issues)*, Qom: Pazhuheshgah-e Howzeh va Daneshgah, 1389 SH (2010 CE).
 44. Saffar-Qomi, Mohammad bin Hassan bin Roh, *Basa'ir al-Darajat*, annotated by Mohsen Koochebaghi, Qom: Ketabkhane Ayatollah al-Adham Mar'ashi Najafi, 1404 AH (1983 CE).
 45. Saleh, Sobhi, *Mabahith fi Ulum al-Quran (Discussions in Quran Sciences)*, Qom: Nashr al-Radhi, 1372 AH (1993 CE).
 46. Sharif Razi, Mohammad bin Hossein, *Nahj al-Balagha*, Edited by Sobhi Saleh, Qom: Hejrat, 1414 AH (1993 CE).
 47. Soroush, Abdul Karim, *Islam va Olum-e Ejtemai: Naghd-e Dini-kardan-e Elm (Islam and Social Sciences: Critique of Religiousization of Science)*, Alam-e Dini: Didgah-ha va Molahezat, Edited by Seyyed Hamid Reza Hosseini, Mehdi Alipour, Seyyed Mohammad Taqi Abtahi, Qom: Pazhuheshgah-e Howzeh va Daneshgah, 1385 SH (2006 CE).
 48. Soroush, Abdul Karim, *Sarayat-haye Mostaqim (Straight Paths)*, Tehran: Moasseseh Farhangi Sarat, 1377 SH (1998 CE).
 49. Tabarsi, Fadl bin Hassan, *Majma al-Bayan fi Ulum al-Quran*, Edited by Seyyed Hashem Rasouli Mahallati and Seyyed Fazlullah Yazdi Tabatabai, Beirut: Dar al-Ma'arifah, 2nd Edition, 1408 AH (1988 CE).
 50. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Balance in Quran Interpretation)*, Qom: Daftar Entesharate Islami, 1417 AH (1996 CE).
 51. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Quran dar Islam (Quran in Islam)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1353 SH (1974 CE).
 52. Tahanawi, Mohammad bin Ali, *Kashshaf Istilahat al-Funun wa al-Ulum (Clarifying the Terminologies of Arts and Sciences)*, Beirut: Dar Sader, n.d.
 53. Tawfiq, Khalid, *Al-Tafsir al-Mawduhu'i, Muqaranat bayn al-Sayyid al-Sadr wa Akhirin (Thematic Interpretation, Comparisons between Sayyid Sadr and Others)*, Majaleh al-Fikr al-Islami, No. 24 and 25, Year 7, Ramadan 1421 AH (2000 CE).
 54. Zamakhshari, Jarollah Mahmoud bin Umar, *Al-Kashshaf 'An Haqaiq Ghawamid al-Tanzil wa Ayyun al-Aqwali fi Wajuh al-Ta'wil Unveiling the Truths of Revelation Mysteries and the Springs of Interpretations in the Aspects of Interpretation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH (1987 CE).